



## بسمه تعالی

بعد از سلسله بحثهایی که طی دروس گذشته بر زمینه روابط فردی داشتیم اکنون می توانیم بحثهایی را در زمینه روابط جمعی شروع کنیم که بررسی روابط موجود در خانواده در ابتدای آن قرار دارد.

قطعا خانواده در هر جامعه ای ویژگی اجتماعی خاصی دارد و بنیادی ترین واحد جمعی آن بشمار میرود، اما این ویژگی در جامعه اسلامی از مزیتهای بنیادی برخوردار است و خانواده اسلامی با حدود و مرزهای مشخصی خود

بر این اساس تاکید قرآن بر اهمیت و نقش خانواده در شکل گیری جامعه بنحویست که می توان جامعه اسلامی را جامعه خانواده ها نامید.

خانواده اسلامی اصیلترین واحد تشکل یافته اجتماعی است که حقیقت و روح اسلام را درک می کند اعضای خود را تغذیه فکری و روحی و جسمی می نماید، آنها را می سازد و وجودشانرا پررنگ می نماید و طولی نمی کشد که مردان و زنان مومن و پرتلاش را به جامعه اسلامی تحویل میدهد تا خانواده های اصیلتر و آینده پر بازو جامعه را شکل دهند.

چنین خانواده ای حریم مقدسی دارد و روابط

همانطور که با زن و فرزند خود روابط حسنه دارد موظف به داشتن روابط حسنه با خانواده پدری و با دیگر نزدیکان خود است و این وظیفه در مورد مادر و دیگر فرزندان جاریست.

بنابراین روابط حسنه در خانواده اسلامی عطفوت و صمیمیت متقابلست که اعضای این خانواده را بطور خاص و دیگر خانواده ها را بطور عام شامل می شود و البته خداوند در این آیات پربرکت افراد یتیم و بی سرپرست و نیز فقراء و بیچارگانرا که اغلب سازمان خانوادگی آنها از هم پاشیده است بعنوان اعضاء مورد احترامی در مدار روابط حسنه دیگر خانواده ها قرار میدهد تا احساس تنهایی و بی مهری برای آنها نباشد و توصیه قرآن در مورد آنها اقتدر زیاد است که جای هیچگونه کمبودی برایشان نمی ماند.

قرآن کریم در آیات دیگری حدود و مشخصات روابط حسنه را در خانواده روشن می سازد «وقضى ربك ان لاتعبدا والا اياه وبالوالدين احسانا، اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تنقل لهما اف ولا تنهرهما...»

سوره بنی اسرائیل آیه ۲۳ و ۲۴  
«حکم پروردگار تو چنین است که جز او معبودی نداشته باشید و نسبت به پدر و مادر احسان کنید و اگر یکی از آنها یا هر دوشان به

نسبت به پدر و مادر احسان کنید و اگر یکی از آنها یا هر دوشان به پیری رسیدند از اعمال و رفتار آنها اظهار تنفر و دوری نکنید و آنها را از خود مرانید.

بزرگسالی و پیری رسیدن از اعمال و رفتار آنها اظهار تنفر و دوری نکنید و آنها را از خود مرانید بلکه با آنها گفتاری کریمانه و احترام آمیز بگویند و در برابر آنها فروتنی و مهر و رفت داشته باشید...» یکی از دورانهائی که امکان ندارد حدود خانواده رعایت نشود و حریم مقدس آن در هم شکسته شود زمانستکه یک یا چند نفر از اعضای آن دچار ضعف و شکستگی

خانواده اسلامی اصیلترین واحد تشکل یافته اجتماعی است که حقیقت و روح اسلام را درک می کند اعضای خود را تغذیه فکری و روحی و جسمی می نماید و وجودشانرا پررنگ می نماید و طولی نمی کشد که مردان و زنان مومن و پرتلاش را به جامعه اسلامی تحویل میدهد تا خانواده های اصیلتر و آینده پر بازو جامعه را شکل دهند.

مشخص بین اعضای آن برقرار است تا ثبات و استحکام آنرا تامین کند و نقش فعالش را در جامعه برقرار نماید روابط موجود در خانواده اسلامی مشخصات خاص خود را دارد عبارت دیگر طبیعت انسانی و مقررات اجتماعی را در نظر بگیرد و روابط خود را براساس آن تنظیم می نماید روابط پدر و مادر و فرزندان که اعضای اصلی خانواده هستند بسیار صمیمی و پر از مهر و عطفوت است و در همان حال نظام قانونی اسلام به محیط خانواده مسلط است و کانون گرم خانواده اسلامی بسیار قانون پذیر می باشد.

قرآن کریم میفرماید:  
«... وبالوالدین احسانا و بنی القریبی والیتامی والمساکین...» سوره نساء آیه ۳۶

«و به پدر و مادر نیکوئی کردن و همچنین به نزدیکان دیگر و خویشاوندان و یتیمان و مساکین» این آیه و آیات زیاد مشابه آن خواستار روابط حسنه و نیکوئی هستند که میبایست در خانواده اسلامی برقرار باشد.

«احسان به پدر و مادر و نزدیکان مبین رابطه است که هر فرد خانواده هم از آن برخوردار است و هم برپا دارنده آنست همچنین مبین گسترش روابط حسنه بین خانواده هاست، پدر خانواده

در حکم سلول زنده است که موجودیت حیاتی جامعه را تامین می نماید.

قرآن کریم خانواده را اولین واحد مشکله جوامع بشری میداند و در سوره نساء آیه یکم میفرماید

«یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و رب منها ما رجالا کثیرا و نساء»

«ای مردم بترسید از پروردگارتان که آفرید شما را از یک تن و آفرید از آن همسر او را و از نسل آنها مردان و زنان بسیاری را در زمین پراکنده ساخت» در حقیقت خانواده اولین جامعه کوچکی است که بوجود آمده و سپس با قرار گرفتن خانواده ها در کنار هم جوامع بزرگتری شکل گرفته و به همین نحو توسعه یافته اند.

قرآن کریم در آیه ای دیگر این شکل گیری و نیز هدف از آنرا بنحو روشنی بیان میدارد «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکروا نشی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا»

سوره حجرات آیه ۱۳  
«ای مردم شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملتها و قبیله ها قرار دادیم تا باین وسیله یکدیگر را بشناسید»

شوند و قدرت فعالیت آنها کم شده و یا از بین برود بطوریکه بار معاش و نیازهای آنها برعهده دیگر افراد خانواده بیفتد، در اینصورت افرادی که بار سنگینی دارند و کار و زحمت زیاد تری به عهده آنهاست شاید نسبت به ثبات خانواده خوشبین نباشند و در باطن خود از وضع موجود شکایت داشته باشند و حتی آثار آن در محیط بیرون بصورت تندخونی و خشونت

ناتوانی می‌شوند پدر و مادر هستند که در حقیقت بنیانگذار و احیاء کننده خانواده بوده‌اند بنابراین امکان دارد که در سنین بالا حریم آنها مورد بی احترامی قرار گیرد و نتیجتاً بزرگترین ضربه به ثبات خانواده و خود بخود به ثبات جامعه وارد شود.  
از اینرو قرآن شدیدترین احترام را در این سنین حساس برای بنیانگذاران خانواده در نظر می‌گیرد

دوران جاهلیت عرب می‌بینیم آنچنانکه والدین خانواده بخود چرت می‌دهند تا با تسلیم شدن در برابر افکار و آداب و رسوم باطل جاهلیت نوزادان خود را زنده بگور کنند و یا از فشار تنگدستی و فقر، بیرحمانه تصمیم به قتل آنها بگیرند.

قرآن کریم اعرابی را که بنا بر یافته‌های تاریخ ذهن خویش و با پیروی از راه و رسم غلط گذشتگان دختران خود را زنده بگور می‌کردند به خسران عمل خود مطلع می‌سازد.

«قد خسر الدین قتلوا اولادهم سفهاء بغیر علم...»

سوره انعام آیه ۱۴۰

« حقیقتاً زیان بزرگی کردند کسانی که با بی خردی و بدون علم و آگاهی فرزندان خود را کشتند»

همچنین افرادی را که به خاطر ترس از فقر و تنگدستی حاضر به قتل فرزندان خود می‌شوند شدیداً منع می‌نماید.

«لا تفتلوا اولادکم من اطلاق نعن نرزقکم و ایاهم»  
سوره انعام آیه ۱۵۱

\* مسئله دیگری که باید در روابط خانواده در نظر گرفت عدم وابستگی افراد خانواده نسبت به یکدیگر و یا بطور کلی نسبت به علائق خانوادگی است

«فرزندانتان را از ترس فقر و تنگدستی نکشید روزی دهنده شما و آنها ما هستیم»

بعد دیگری از روابط حسنه را در خانواده جنبه فکری و ارشادی آن تشکیل میدهد همچنانکه بین افراد خانواده میبایست روابطی عاطفی و اخلاقی برقرار باشد و حریم خانواده را از هر گونه بی حرمتی محافظت نماید می‌بایست روابطی فکری در جهت ارشاد یکدیگر نیز برقرار باشد تا حریم خانواده را از هر گونه فساد و تخدیر فکری نیز پاسداری کند.

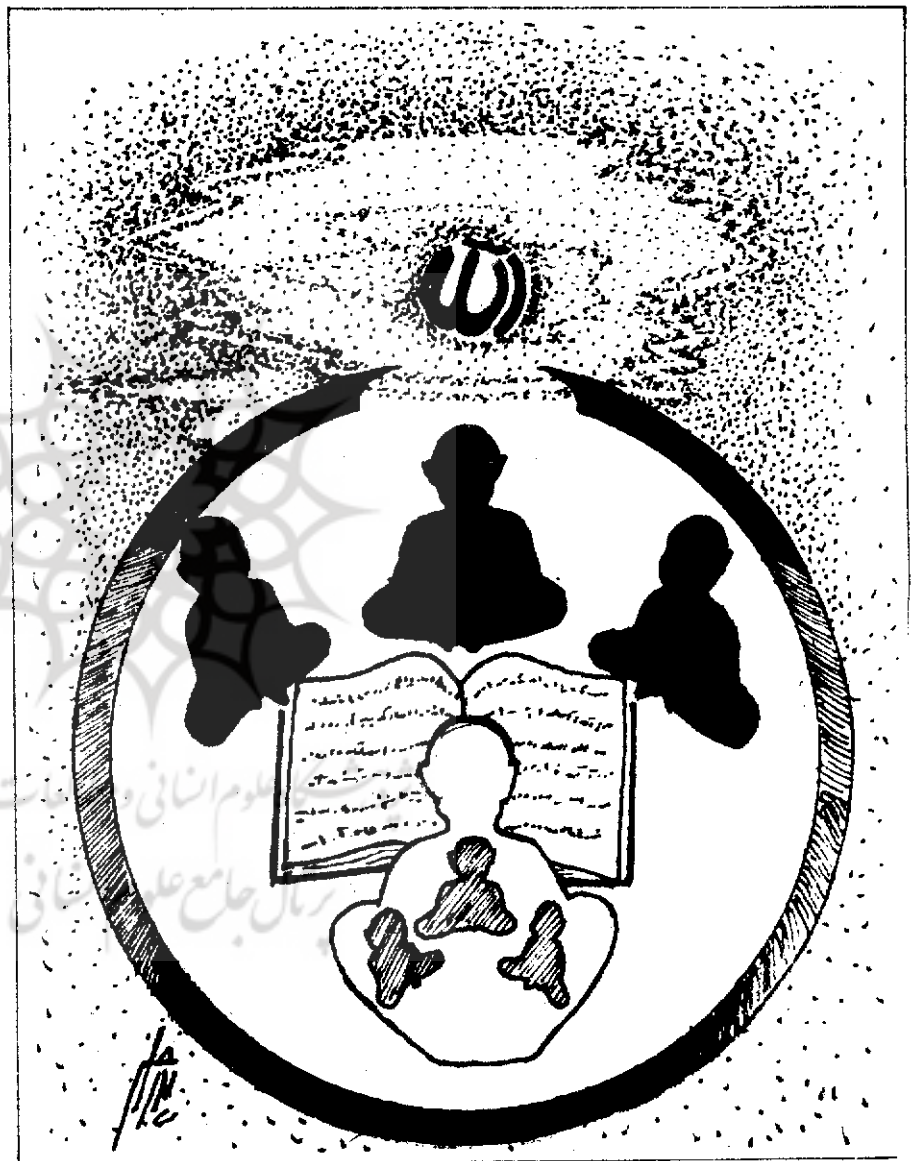
قرآن کریم گوشه‌هایی از اندرزهای حضرت ابراهیم (ع) را نسبت به پدرش (۱) که در دسته مشرکین و بت پرستان قرار گرفته منعکس می‌سازد و در همان حال بر خورد دلسوزانه و رفتار و گفتار پر مهری را که همراه این اندرزهاست متجلی می‌نماید.

ابراهیم (ع) پدرش را اندرز می‌دهد:

«یا ایت لم تعبد الا لیسع ولا یبصر ولا یغنی عنک شیاً»

یا ایت قد جانی من العلم ما لم یاتک فاتیعی اهدیک صراطاً سویاً  
یا ایت....

بقیه در صفحه ۶۱



بت به افراد ضعیف خانواده بروز کند و بدیهی است که در اینصورت زمینه برای بی ثباتی و از پاشیدن خانواده فراهم است.

روابط خانوادگی در اسلام باین مسئله توجه بیعی دارد و آیات فوق بیانگر بروز گوشه‌ای این نابسامانی در خانواده است زیرا اکثراً ضایعی که زودتر از بقیه دچار ضعف و

تا جائیکه حتی کوچکترین اظهار ملامتی را نسبت به آنها شدیداً منع می‌نماید.  
همانگونه که پدر و مادر در سنین کهولت امکان دارد مورد بی احترامی قرار گیرند متقابلاً فرزندان خانواده در سنین خردسالی و ناتوانی ممکن است مورد ظلم و بی حرمتی بزرگتران قرار گیرند که نمونه‌های وحشتناکی از آنرا در

## روابط اجتماعی .....

ای پدر من چرا چیزی را که نمی‌شود و نمی‌بیند و تو را از چیزی غنی و بی‌نیاز نمی‌سازد می‌پرستی  
 ای پدر من حقیقتاً علم و آگاهی در من پدید آمده که تو را چنین علمی نیست مرا پیروی کن تا ترا پناه راست هدایت کنم  
 ای پدر من شیطان رانده شده را نپرست، شیطان در برابر خداوند رحمان، عصیانگری ناسپاس است  
 ای پدر من میترسم که از سوی خداوند رحمن غذایی بزرگ بتو برسد و دوست و همنشین شیطان شوی.»  
 و هنگامیکه سخنان ابراهیم (ع) سبب ارشاد پدرش نمی‌شود با همان مهربان پدرش می‌گوید «بزودی از پروردگرم برای تو آموزش می‌خواهم که خداوند نسبت بمن بسیار مهربان است»



این نمونه‌ای از رابطه ارشادی فرزند با پدر خانواده است و قرآن کریم نمونه‌هایی از رابطه ارشادی را نیز که پدر خانواده با فرزندانش دارد ارائه می‌دهد که نصایح پیامبرانه نوح (ع) و اندرزهای حکیمانه لقمان بفرزندانشان نمونه‌های بارزی از آنست براین اساس از دیدگاه قرآن روابط حسنه در خانواده تا زمان می‌تواند برقرار و پایدار باشد که افراد خانواده در صراط مستقیم خداوند قرار داشته باشد اما اگر افکار و عقاید باطل داشتند و یا در مسیرهای انحرافی قرار گرفتند در اینصورت اولین وظیفه افراد صالح خانواده در ارشاد آنها بسوی خداوند است و اگر پذیرای هدایت الهی نبودند انوقت می‌بایست از آنها روی گرداند چنانکه حضرت ابراهیم (ع) وقتی موفق به ارشاد پدر خویش نمی‌شود مجبور به ترک او می‌گردد و قرآن کریم با تمام احترامی که برای پدر و مادر قائل است اما چنانچه معتقد به عقاید باطل باشند و قصد تحمیل آنرا بر فرزندان خود کنند در مورد آنها می‌فرماید:  
 «وصینا الانسان بوالديه حسنا، وان جهادا ک لشرک بی مالیس لک به علم فلا تطعهما»  
 سوره عنکبوت آیه ۸  
 «وصیت کردیم انسانرا به والدینش احسان کردن را، اما اگر تلاش کردند تا آنچه را به آن علم و آگاهی نداری با من شریک گردانی از آنها اطاعت مکن.»

کلی بیان میدارد  
 قسمتی از آیات قرآن جنبه آگاهی و تذکره در این زمینه را دارد و ضمن آن ماهیت این وابستگی روشن می‌شود  
 درسوره منافقون آیه نهم اینچنین تذکره میدهد:

«یاایهاالذین آمنوا لا تلکم اموالکم ولا اولادکم عن ذکرنا..»  
 «ای کسانیکه ایمان آورده اید اموال شما و فرزندان، شما را از ذکر خدا غافل نکند»  
 در این آیه چنانکه ملاحظه می‌شود وابستگی خانوادگی همسان با وابستگی مالی و دنیائی آمده است که بیانگر ماهیت آنست  
 همچنین درسوره تغابن آیه ۱۵ می‌فرماید:  
 «انما اموالکم و اولادکم فتنه»  
 «جز این نیست که اموال شما و اولاد شما فتنه و وسیله ای برای آزمایش شما هستند»

به همین نحو آیات زیادی در این زمینه وجود دارد که می‌توان مراجعه نمود. اما قسمت دیگر از آیات قرآن در زمینه منع شدید اینگونه وابستگی است قرآن کریم درسوره تیره آیه ۲۴ می‌فرماید «قل ان کان ابائکم و ابنائکم و اخوانکم و از واجکم و عشیرتکم و اموال اقتر فتموها و تجارة تخشون کسانها و مسکن ترضونها احب الیکم من ... ورسوله و جهاد فی سبیلہ فتر بصواحتی یاتی ... باهره، و... لا یهدی القوم الفاسقین»  
 «بگو اگر پدران شما و پسران، برادران و همسران و خویشانان و مالهاییکه اندوخته اید و تجارنی که از کسادی آن می‌ترسید و خانه‌هایی را که علاقه دارید بیشتر از خدا و رسولش و جهاد کردن در راه او دوست دارید پس منتظر باشید تا فرمان خداوند برسد و خداوند قوم فاسقین را هدایت نمی‌کند»

والسلام  
 (۱) آنچه که مفسرین شیعه تصریح می‌کنند این است که آزر پدر ابراهیم (ع) نبود بلکه عمویش بوده است و اینکه گاهی در زبان عرب به جای عموم لغت اب «پدر» را بکار می‌برند.

همچنین درسوره توبه آیه بیستم بطور فراگیرتری می‌فرماید  
 «یا ایهاالذین آمنوا لا تتخذوا اباءکم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر علی الایمان»  
 «ای کسانیکه ایمان آورده اید اگر پدران و برادران برگزیدند کفر را بر ایمان آنها را دوست و اولیاء خود نگیرید.»



مسئله دیگری که در مورد روابط موجود در خانواده می‌بایست در نظر گرفت و جنبه اساسی و زیربنائی دارد عدم وابستگی افراد خانواده نسبت به یکدیگر و یا بطور کلی نسبت به علائق خانوادگی است بطوریکه انسانرا تبدیل به موجودی ضعیف النفس و دنیا طلب نماید.  
 خانواده ایکه نقش منفی و غیر متعهدانه نسبت به جامعه دارد بجای اینکه افراد خود را ساخته و آماده برای انجام وظیفه و خدمت به جامعه نماید برعکس آنها را تبدیل به موجودات مصرفی کرده و نیروی مولد آنها را از جامعه گرفته و وابسته به خود می‌نماید  
 قرآن کریم وابستگی به خانواده را در ابعاد وسیع آن مطرح می‌سازد و آیات خود را بدو نحو